

2922

157
6/21

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

www.ketab.ir

موكب المسترحام

بہزاد دانشگر

www.Fetab.ir

موکب آمستردام

نویسنده

بهزاد دانشگر

ناشر عهد مانا

چاپ یکم پاییز ۹۷

شمارگان ۱۰۰۰ نسخه

۹۷۸-۶۲۲-۶۰۸۴-۵

سرشناسه: دانشگر، بهزاد، ۱۳۵۵ - ، گردآورنده | عنوان / ناشر: عهد مانا / نویسنده

بهزاد دانشگر. | مشخصات نشر: تهران: عهد مانا، ۱۳۹۷. | مشخصات ظاهری: ۳۶ ص. | شابک:

۹۷۸-۶۲۲-۶۰۸۴-۳۱-۵ | وضعیت فهرست نویسی: قیفا | موضوع: حسین بن علی (ع) / موم.

۴ - ۶۹ -- اربعین | موضوع: Hosayn ibn Ali, Imam III, ۶۲۵ - ۶۸۰ -- Hosayn | موضوع: زیارت.

و زائران -- عراق -- کربلا | موضوع: Karbala -- Iraq -- Shrines and pilgrimages | موضوع:

زیارتگاه‌های اسلامی -- عراق -- خاطرات | موضوع: Diaries -- Iraq -- Islamic shrines | موضوع:

محوطه‌های اردوگاهی -- عراق | موضوع: Iraq -- Camp sites, facilities, etc. | رده بندی کنگره:

۵۳۲۷۹۶۹ | شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۴۵/۲۹۷ | رده بندی دیویی: BP۲۶۳/۲/۵۲م۹ ۱۳۹۷

www.ahdmana.ir



عهد مانا

ناشر: انتشارات ریشه
فرهنگ ، ادب ، تاریخ



www.Kitab.ir

خانه‌ی کتاب‌های خوب...



www.ketab.ir

مقدمه

می‌گویند پس از فرشتگان الهی و پیامبران عظیم‌الشان، نخستین زائر حسین شهید علیه‌السلام، جابر بن عبدالله انصاری بود: صبی فرهیخته و روشن‌ضمیری که وقتی ماجرای عاشورا را شنید، بی‌تاب و بی‌قرار خودش را به زمین عطشان کربلا رساند؛ بر سر زنان و مویه‌کنان. از گزارش همراهش عطیه بن سید در روز زیارتشان برمی‌آید که استرو چهارپایی هم نداشته‌اند. پای پیاده و به شوق رسیدن به محبوب گام برداشته‌اند و زیر لب با محبوب راز و نیاز کرده‌اند که: «گر عشق حرم باشد، سهل است، بابان‌ها...» از دیرباز و در میان همه اقوام و ملل، پیاده‌رفتن مسافربه سمت مقصد نشانه‌ای است از شوق و اشتیاق، خضوع و خشوع و عزم و اراده؛ و از همین روست که در بسیاری از آیین‌های دیگر، پیاده‌روی‌های فردی یا جمعی به شکل برنامه‌های سلوکی و عدالت‌سیاسی، بی‌سابقه نیست.

در تاریخ و فرهنگ شیعه، زیارت پیاده یکی از شکل‌های سفر بوده که نشان‌دهنده شوق و اشتیاق سالک است. گاه در برخی از روایات تأکید شده که حتی اگر پایی نداشته‌ای، بر روی دوزانو یا با کشیدن سینه‌هایت روی زمین به سمت امامت حرکت کن.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «کسی که به قصد زیارت امام حسین علیه السلام از منزلش خارج شود، اگر پیاده باشد خداوند بابت هر قدمش یک حسنه می‌نویسد و یک گناه از او می‌موی کند. وقتی به حرم می‌رسد، خداوند او را جزء صالحان برگزیده می‌نویسد. وقتی مناسکش تمام می‌شود، خداوند نام او را جزء فائزان و رستگاران می‌نویسد. وقتی می‌خواهد بازگردد، فرشته الهی در مقابلش قرار می‌گیرد و می‌گوید که رسول خدا صلی الله علیه و آله به شما سلام رساند و مژده می‌دهد عملت را از سربگیر که تمام گناهان گذشته‌ات بخشیده شده است»^۱

شاید به همین دلایل بود است که سنت زیارت پیاده در فرهنگ شیعه چندان غریب نیست. به دوازه تاریخ، شاه عباس صفوی نذر کرده بود پیاده به مشهد امام رضا علیه السلام مشرف شود و ابن، نشان از مرسوم دادن این عمل بین مردم به عنوان یک کار مستحب است. اصرار بسیاری از علما همچون شیخ جعفر کاشف الغطاء، شیخ مرتضی انصاری، آخوند خراسانی، میرزا جواد آقا ملک تبریزی، آیت الله سید محمود شاهرودی و در سال‌های اخیر آیت الله مرعشی نجفی، شهید محراب آیت الله سید اسدالله مدنی و... به زیارت پیاده کربلا، نشان دهنده جایگاه این سنت در میان مشرب‌های مختلف فکری علما و مراجع حوزه علمیه است.

در سال‌های به قدرت رسیدن حزب بعث، حاکمان عراق از گرایش‌های سیاسی شیعیان و تأسی آن‌ها به روحیه ظلم‌ستیزی امامانشان احساس خطر می‌کردند، موانع بسیاری بر سر راه شیعیان و زیارت حرم امامان به وجود آوردند؛ به گونه‌ای که هر نوع عزاداری پرجوش و خروش یا حرکت جمعی شیعیان در آیین‌های دینی‌شان، تحرک سیاسی محسوب شده و به شدت سرکوب می‌شد. مهم‌ترین حرکتی که سال ۱۳۸۰ معرک کشمکش صدام و شیعیان بود، اشتیاق به سنت دیرینه پیاده روی اربعین بود و حزب بعث به هر شکل و روش ممکن مانع این حرکت می‌شد. به گونه‌ای که به مرور خود این تلاش برای انجام پیاده روی زیارت اربعین، بخشی از مواجهه مردم و حکومت شد.

۱. شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۳۹

مردمی بودند که شبانه و از مسیرهای فرعی حرکت کرده و با کمک روستاییان بین راه خودشان را به کربلا می‌رساندند و در این راه، بارها و بارها با مأموران حکومتی درگیر شدند و شهید دادند و زخمی؛ اما از این تلاش مقدس باز نایستادند.

سال ۱۳۸۱ شمسی، سالی پرحادثه در تاریخ مردم عراق بود. در روزهایی که فرماندهان امریکایی و ژنرال‌های ناتو برای سرنوشت مردم عراق نقشه می‌کشیدند، شیعیان جنوب عراق اما ترس و هراس در اشتیاق وصال دوباره با امامشان بودند. مدت‌ها قبل از اربعین، مردمی که حالا دیگر سایه ترس و اختناق از روی سرشان برداشته شده بود و زیر نور رادیو و تلویزیون می‌شناختند، فقط به فکر زیارت امامشان بودند. از هر شهر و روستا، از هر کوچه و بزم، هر باغ و خانه، مردم مشتاق گروه‌گروه یا تک‌وتنهای بیرون می‌زدند و خودشان را می‌رساندند به جاده اصلی کربلا؛ طریق الحسین. هرکس با هر چه در توان و در اختیار داشت، حرکت کرده بود فقط به رسیدن می‌اندیشید؛ به زیارت، به دیداری دوباره.

به‌زودی جاده‌ها به تسخیر مردم پیاده درآمد. آن‌هایی هم که سوار بر ماشین بودند از دیدن این همه شور و اشتیاق به هیجان آمده، ماشین‌ها را به کناری گذاشتند و کنار دیگر مردم پیاده راه افتادند. مردم بین راه که ترس داشتند به زیارت پیاده فکر می‌کردند، با مسئولیتی جدید مواجه شدند: پذیرایی از زائران و مسافران حسین شهید که در تمام تاریخ، ارزش و اهمیتی والا در فرهنگ عشیره‌های عراق داشته است. وجه لذتی بالاتر از این که احساس کنی امامت آمده به خانه‌ات. درهای خانه‌ها باز شد؛ از خانه‌های شیک و گران‌قیمت تا خانه‌های نیمه‌ویران و مخروبه. خانه مهم‌ترین و مهم‌نشان‌ترین عشاق حسین علیه‌السلام به دور یکدیگر بود که دمی استراحت کنند و چند کلمه فکر محبوب کنند. صاحب‌خانه‌ها مشتاق و سرافراز از توفیق پذیرایی عاشقان امامشان، سراز پا نشناخته، فقط به خدمتگزاری می‌اندیشیدند و دل‌ها یکدل شد و شد آنچه باید می‌شد: پیاده‌روی زیارت اربعین شد یک آیین؛ آیینی که در آن مهم نیست تو غریبه‌ای یا آشنا، که اصلاً غریبه‌ای وجود ندارد. همه ما یک مولا داریم و دل‌خوشیم

به یک نگاه مولا و آموخته‌ایم که هر جا غریبه‌ای نباشد و دل‌ها به هم گره بخورد، حتماً نگاه مولا هست. حالا دیگر حتی مهم نیست تواز کدام کشور می‌آیی؟ دوست بوده‌ای یا دشمن؟ مهم این است که همه ما رو به یک مقصد داریم. پس دیگر دشمنی وجود ندارد. هر چه هست محبت است و همدلی.

این شد که به مرور زیارت اربعین مختصات و ویژگی‌های خودش را پیدا کرد. آن‌هایی که می‌دانند و شرکت می‌کنند در تمام سال مشغول جمع‌آوری نذورات‌اند و آماده‌کردن میزها. آن‌هایی هم که شوق سفر دارند روزشماری می‌کنند و در صورت لزوم در فکر فراهم کردن هزینه‌ها و مقدمات سفر.

حالا دیگر زیارت اربعین فقط یک آیین مذهبی، که یک سلوک عرفانی است. یک عملیات سیاسی است. یک برنامه اجتماعی است؛ انگار که انسان با هر دغدغه و میثقی و با هر بُعدی از ابعاد اجتماعی‌اش می‌تواند پاسخی برای نیازها و پرسش‌هایش در این اجتماع پیدا کند.

حالا دیگر شیعیان برای زیارت اربعین از سرگردن خودشان را می‌رسانند به کربلا؛ به زمین مقدسی که مبارک است و برکتش می‌شود همین اجتماع‌ها، همین دوستی‌ها و آشنایی‌ها، همین از خودگذشتگی و همدل شدن‌ها، همین تمرین‌ها برای روزهای بزرگ در پیش رو. برای روزهایی که امام عصرت ندای «ناله‌های» سر می‌دهد و تو اگر حتی پایی برای رفتن نداری، باید با زانوانت یا با کشیدن سینه نایت روی زمین به سوی او حرکت کنی. روزهایی که قرار است از تمامی دنیا جمع شویم در یک قطعه کوچک این کره خاکی و مهتای گسترش عدالت شویم. روزهایی که باید نگاهمان به سرانگشت مولا باشد و دل‌مان در گروی نگاهش؛ به نام و یاد حضرت زین العابدین (ع) ان شاء الله...

این کتاب تلاشی است برای بازنمایی خرده‌روایت‌هایی، هرچند کوتاه و ناقص، از عشق و ارادت کسانی که به هر نحوی در این آیین باشکوه حضور دارند؛ چه میهمان باشند یا میزبان، چه از راه دور یا نزدیک.